

نقاشی‌ها و نوشته‌های کودکان:

مجله هفتگی شانکار Shankar's Weekly که در هند بچاپ میرسد ابتکار بسیار جالب و بسیار پراهمیتی به‌سار برده است .
مجله شانکار هر سال مجموعه‌ای از نقاشی‌ها و نوشته‌های کودکان جهان را در یک شماره مخصوص انتشار می‌دهد و برای بهترین کارهای هنری جوایز متعددی توزیع مینماید. کودکان تمام کشورها که سنشان از ۱۶ سال زیادتر نیست میتوانند در این مسابقه شرکت کنند. نقاشی یا نوشته باید اصیل و بدون کمک دیگران ترسیم یا تهیه شده باشد و هر چند تصمیم سردبیر مجله برای توزیع جوایز قطعی است معذالک هیئتی از قضات برای این کار بنا برده کمک می‌نمایند و هیچ کودکی بیشتر از دو جایزه نخواهد گرفت.

در پیامی که دکتر راجندر پراساد رئیس جمهور هند بتاريخ ۲۹ ژانویه ۱۹۵۵ برای مجله فرستاده است تذکر داده شده که مجله شانکار با این مسابقه يك وسیله تفاهم و همکاری تازه بین المللی در زمینه هنر و ادب ایجاد نموده است و ابتکار مجله از هر لحاظ قابل دقت و توجه بنظر می‌آید.

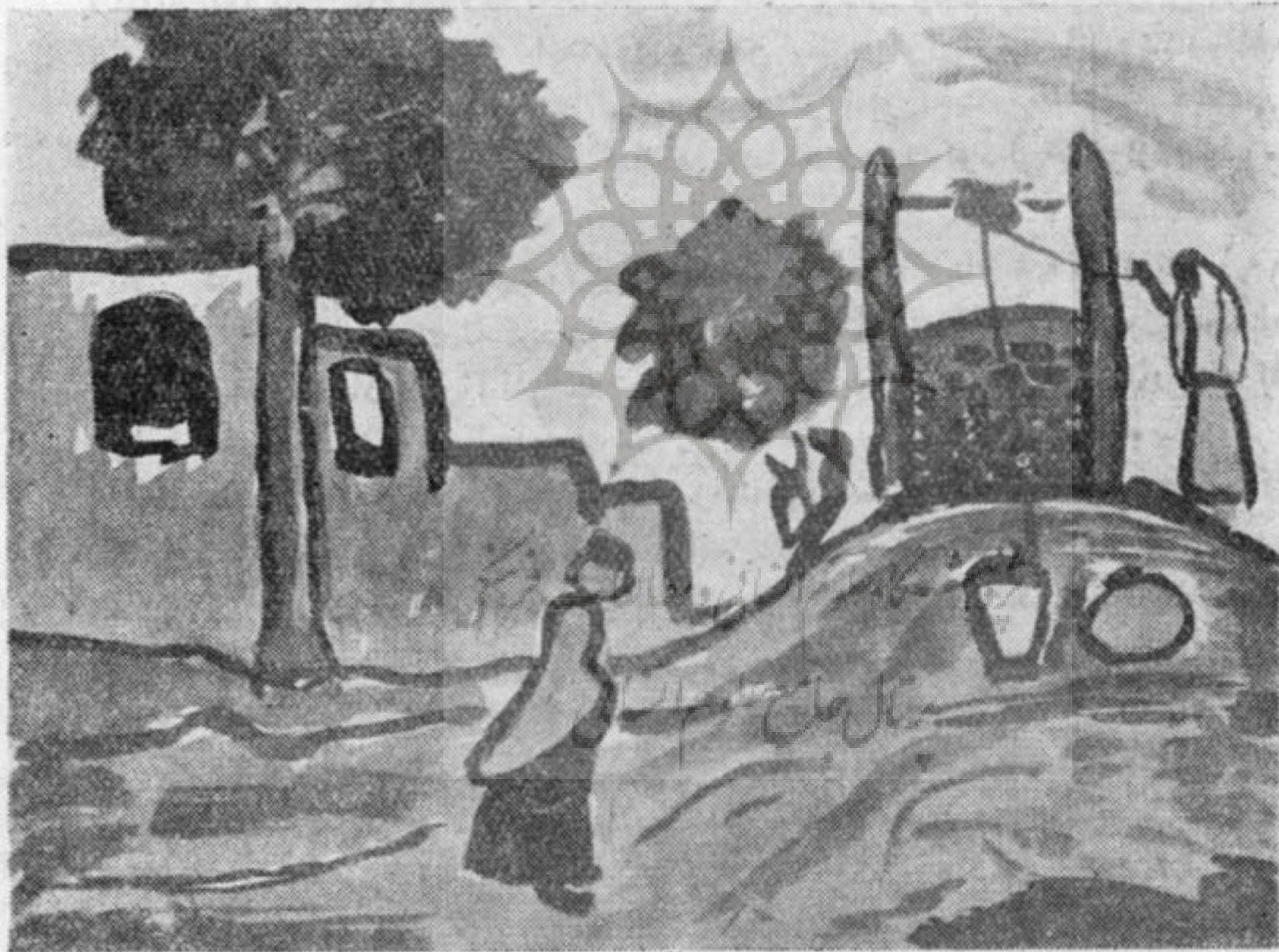
تنظیم يك مسابقه بین المللی بهترین زمینه برای معرفی استعداد های هنری کودکان جهان است و ابتکار شانکار اکنون نه تنها در هند بلکه در بسیاری از کشورهای جهان مورد استقبال قرار دارد. تحریک و تشویقی که با رقابت بین المللی ایجاد میگردد استعداد های خفته هزاران کودک را در سراسر جهان بیدار میکند و آنها را قادر می‌نماید که با فکر و احساسات خفته وسیله بروز و ظهور بدهند.

نمایشگاه های نقاشی کودکان که از طرف مجله در نقاط مختلف هند ترتیب داده شد شامل تصاویر و تابلوهای متنوعی است که در زمینه هنر نقاشی نظریات و تمایلات کهن و سنن قدیمی استادان نقاشی را بمبارزه می‌طلبند و نهضت تازه در زمینه تعلیم هنر بوجود می‌آورد اهمیت موضوع بقدری بود که وزارت فرهنگ هند مجموعه کوچک و نفیسی از این کارهای نقاشی ترتیب داد و برای شناساندن هنر کودکان میان تعدادی بزرگ از معلمین و دستداران هنر بخش کرد. مشاور ترتیبی فرهنگ و دولت هند در این زمینه مینویسد:

» ... در دنیای امروز هنر کودکان برخلاف گذشته که سر زمین مجهولای بود وسیله پرارزش برای مطالعه و تحقیق متخصصین تعلیم و تربیت است. هر

کودکی که نقاشی می‌کند نقاش نخواهد شد و هر طفلی که نوشتن را بیاموزد نویسنده نخواهد گردید اما هنر عاملی اساسی در تعلیم و تربیت و وسیله برای بیان و ظهور حالات و تمایلات و احساسات کودکان است. کودکی که در این راه بیفتد و تشویق گردد بطور روزافزون تصورات ذهنی و ملاحظات خود را بیان خواهد نمود و با نقاشی افکار پنهان خود را تجسم خواهد بخشید.

آثار و فواید تشویق این عزیزه کودکان در آموزش و پرورش زیاد و فراوان است. معلم هنر و نقاشی نیز مانند دیگر همکاران خود در تلاشی دائمی برای کشف و تحقیق روحیه کودکان قرار دارد. او میتواند کودک خود را از روی نقاشی یا نوشته‌اش آسانتر و عمیقتر بشناسد تا از روی کارهای عادی مدرسه. زبان بهمان اندازه که برای بیان فکر انسانی مفید است میتواند افکار و تصورات را نیز مخفی یا مشتبه نماید اما نقاشی یا نوشته کودکان بطور شگفت‌آوری کشف‌کننده و بروز دهنده است.



۶ ساله

شی یامالی پاتاچاریا
از دهلی

بطرف چاه آب

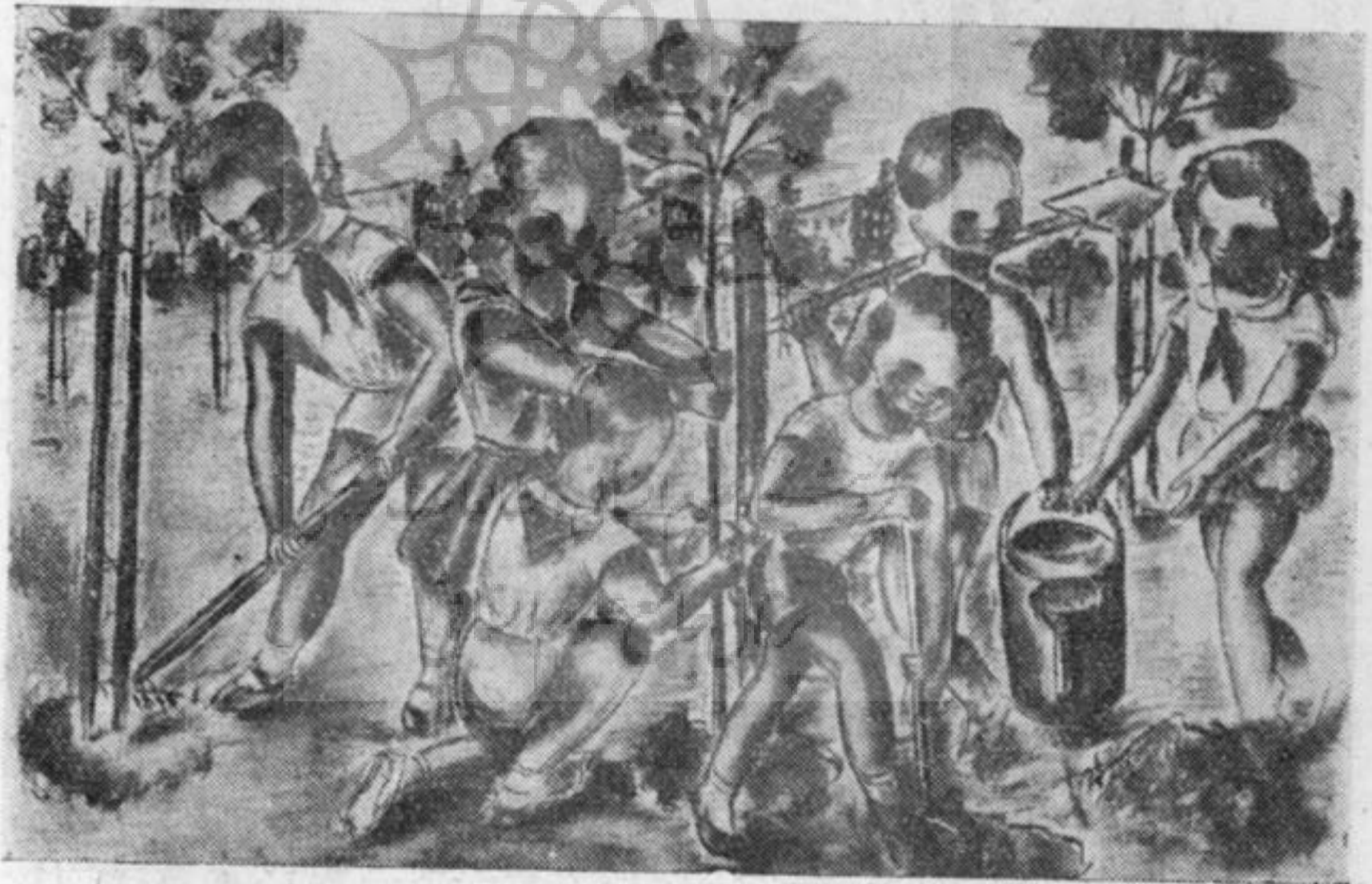
برنده جایزه اول

خطوط اصلی نقاشی‌های کودکان اینهاست: تمایل و علاقه برنگ‌ها، احساسی از اشکال، عزیزه برای قرینه سازی و تمایلی ثابت و مستقل برای بیان و ابراز،

انتخاب موضوع نقاشی همان اندازه که استعداد و اصالت فکر بچه را نشان میدهد محیط و شرایط زندگی او را بیان میکند. گاهی يك نقاشی کودکانه قدرتهای ذخیره و استعدادهای بزرگی را که هرگز بتصور هم در نمی آمده است آشکار می سازد و گاهی هم نشان دهنده محدودیتهای محیط کودک است.

وظیفه واقعی معلم هنر اینست که استعدادهای کودکان را دائما تحریک و تشویق نماید آنان را بپیدان بزرگتری رهبری کند و تکنیک هنری را برای گرفتن نتایج رضایت بخش تری با آنان بیاموزد. معلم هنر وظیفه دارد نیروهای خالق اطفال را با ایجاد يك محیط مساعد و متناسب و تامین مواد و لوازم ضروری و الهام موضوع و زمینه کار هنری آزاد بسازد. استاد نقاشی نمیتواند حس رنگ شناسی را در کودکان بوجود بیاورد ولی اغلب میتواند قدرت ایجاد تعادلی را در اشکال برای کودکان بوجود آورد. معلم میتواند احساس هنری و تکنیک را در کودکان تقویت نماید.

بیشتر کودکان ناتوانیست یا بسرو اتورهای دقیقی نیستند کودکان زیاد تر در رویاهای



۱۴ ساله

اسموتنا ورا
از چکوسلواکیباشگاه کشاورزی میچورین
برنده جایزه اول

خود بسر میبرند و دنیای واقعی در نقاشی آنها تا حدی که در رویاها نشان وارد شده و بزنگیشان مربوط است منعکس میگردد. کودک معمولا اشیاء کمتری را در خاطر خود نگاه میدارد و ملاحظه و دقتش تابع روحیه و علاقه او در آن لحظه میباشد. بنابراین نقاشی يك کودک تا بلوغی است از آنچه او فکر میکند و

آنطور که می بینند و فکر میکنند و بعنوان معیار و ملاک قطعی ظرفیت های هنری کودک ارزش ندارد. در پنج سالگی مغز کودک و قدرت ملاحظه او حساس تازه و نیرومند است احساسی تند و زنده از رنگ دارد و دلائلی در دست است که کودکان این سنین از حالات و روشهای جانوران و طبیعت که با حالات و روشهای خود آنان تشابه دارد مطلع میباشند. پس از این سالها نقاشی هاورنگ



۱۱ ساله

رانجان سن
از هندوستان

پرتره

آمیزی های کودکانه بطرف نمونه های مشخص تری از بلوغ و کمال میرود. تکامل بیشترین سالهای ۱۰ و ۱۳ تا ۱۶ صورت میگیرد. در نقاشی های کودکان

بزرگتر کارهایی هست که بیشتر بنقاشی اشخاصی بالغ شباهت دارد. مجموعه نقاشی های کودکانه برای استفاده معلمین نقاشی و هنرمندان و ایجاد تفاهم و صمیمیت بین المللی وسیله گرانبهایی است ... »
اینک چند نوشته و چند نقاشی کودکانه را که برنده جایزه اول شده در اینجا میاوریم :

مادر ستاره ها و بچه هایش : نوشته سانتوناداس کودک دهساله در کلکته :

« مادر ستاره ها در آن بالاها توی آسمان زندگی میکرد و سه تا بچه داشت. خورشید، باد و مهتاب خانم. یک روز سه تا بچه رفتند مهمانی. در مهمانی خیلی خوراکیهای خوب خوردند آفتاب و باد همه چیز را خودشان خوردند. مادر ستاره ها نمی توانست به مهمانی برود و بچه ها بفکر او نبودند اما مهتاب خانم پیش از اینکه چیزی بخورد یکماله چیزهای خوب را توی سبد ریخت و کنار گذاشت مهتاب گفت : « حیوونکی ما مانم نمیتوانست بیاید من همه این خوراکیها را باو میدهم. » وقتی آفتاب و باد از مهمانی برگشتند مادر ستاره ها از آنها پرسید : « برای من چه آوردید ؟ » آفتاب و باد گفتند : « هیچ چی ما خودمان در مهمانی خیلی خوردیم رفته بودیم که بخوریم، چرا برای شما خوراکی میاوریم ؟ » وقتی مادر ستاره ها این را شنید خیلی غصه اش شد. مادر ستاره ها گفت : « این بچه ها خیلی خود پسند هستند. » بعد به آفتاب گفت : « تو خیلی خود خواهی و بهمین جهت مردم روشنائی آتشین تو را دوست نخواهند داشت. آنها قادر نیستند مدتی روشنائی تو را تحمل کنند. » حتی حالا هم که غروبها خورشید برای خوابیدن میرود وقتی حرف مادرش بادش میآید قرمز میشود. مادر ستاره ها بیاد گفت : « تو مثل برادرت خود پسند هستی مردم تو را هم دوست نخواهند داشت » و هیچ کس طوفان را دوست ندارد اما مادر ستاره ها به مهتاب خانم گفت : « تو خیلی خوبی و بهمین جهت روشنائی تو همیشه زیبا و خنک خواهد بود. و همه کس تو را دوست خواهد داشت. » و باین ترتیب همه مهتاب را دوست داوند. »

سك هن نوشته ، نومی تا رو كودك هشت ساله . دهلی جدید

» يك سك سیاه دارم که برای باغ خیلی ضرر دارد . حالا بهتان میگویم چرا . او دوست دارد موشها را بکشد و بهمین علت باغچه ها را میکند . يك روز آنرا به يك صندلی راحتی توی باغ بسته بودند . ناکهان موشی را وسط کلهادید و دنبالش با صندلی دوید . آنروز عصر باغ را آب داده بودند . وقتی پدرم صدای صندلی را شنید از خواب بیدار شد و سك مرادر کلها دید . پدرم رفت که سك را بگیرد و پایش را روی مرزهای خیس گذاشت و کفش راحتی هاش بکل چسبید . پدرم زود برگشت و خیلی عصبانی بود و گفت که كلك سك مرا خواهد کند . اما ما یواشکی گفتیم که ضرر آدم زیادتر از سك است !

شغل نویسندگی نوشته کریستفر سیموند . كودك یازده ساله می نی پولیس اتا زونی

(این نوشته جایزه اول را برده است)

» من نویسنده هستم که هیچکس در مسائل ملی مانند برب نیدر زنی یا روسیه یا عشق درست تر از من فکر نمی کند . من بخیلی از مجلات مطلب میدهم . مجل کارم مانند يك کندواست . من شصت و پنج نفر را دارم که برایم داستان مینویسند . من خودم هیچوقت داستانهایم را مینویسم . من هیچوقت کار نمی کنم . فقط روی صندلیم می نشینم . و با يك حالت آمرانه به مستخدمین خودم دستور میدهم همانطور که میگویم بکنند و داستانهایم را بنویسند و هر روز نسبت بن احترام و ستایش نمایند . زندگی يك نویسنده اغلب تصویری از کار و زحمت است . ولی واقعا من يك زندگی راحتی دارم و باخانها خیلی ملایم هستم . من خیلی خوب لباس میپوشم از نوک کلاه تا سر انگشت پایم . همانطور که در اول گفتم من خیلی چیز ها در باره دنیا میدانم . من در واقع نوکرانی دارم که دائر المعارف را برایم میخوانند و من در همانوقت جواب مسائل معینی را تهیه میکنم و بعد در يك مجلس یا اجتماع رشته کلام را بدست میگیرم . و اگر يك نفر موضوهی را مطرح بسازد که من از آن چیزی ندانم فقط يك دروغ یادو دروغ یاسه تادروغ میگویم و باین ترتیب شما می بینید نویسندگی چه کار آسانی است !